

فصل سوّم

چه باید کرد؟

جایگاه امام زمان علیه السلام در زندگی ما

از وقتی که مسجدالنبی ساخته شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در موقع ایراد خطبه و سخن رانی برای مسلمانان (مخصوصاً روزهای جمعه) بر تنه‌ی درخت خرمایی که در صحن مسجد باقی مانده بود تکیه می‌دادند؛ منتها وقتی جمعیت زیاد شد، اصحاب پیشنهاد کردند که منبری برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ساخته شود تا همگان، به آسانی بتوانند پیشوای مهربان خود را ببینند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز اجازه فرمودند؛ منبری از چوب بادو پله و یک عرشه ساخته شد.

اولین جمعه‌ای که پیش آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جمعیت را شکافت و با پشت سر گذاشتن آن ستون نخل، به طرف منبر ره‌سپار شدند. همین که بر عرشه‌ی منبر قرار گرفتند، یک‌باره صدای ناله ستون خشکیده همانند زنِ فرزندِ مرده بلند شد. با ناله‌ی ستون، صدای جمعیت نیز به گریه و ناله برخاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از منبر به زیر آمدند؛ ستون را در بغل گرفتند و دست مبارک خود را بر آن کشیدند و فرمودند: «آرام باش!» سپس به سمت منبر بازگشته خطاب به مردم فرمودند:

«ای مردم! این چوب‌خشک نسبت به رسول خدا اظهار علاقه و اشتیاق می‌کند و از دوری وی محزون می‌گردد؛ ولی برخی از مردمان با کشان نیست که به من نزدیک شوند یا از من دور گردند! اگر من او را در بغل نگرفته و بر او دست نکشیده بودم، تا روز قیامت از ناله

خاموش نمی شد.^۱

آری، درختی خشک لحظه‌ای از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دور شد صدا به ناله بلند کرد؛ با این که آن حضرت را می دید. ما را چه شده است که امام زمان خویش را نمی بینیم و از او دوریم؛ اما به زندگی عادی خویش سرگرم‌ایم؟ به یاد همه کس و همه چیز هستیم؛ جز امام زمانمان!

سید کریم پینه دوز از بخت یارانی بود که توفیق و سعادت دیدار ولی غایب خدا، امام زمان علیه السلام را در حجره‌ی محقر خود داشت. نوشته‌اند که روزی امام ارواحنا فداه از آن مرد سعادت‌مند پرسیدند:

«سید کریم! اگر هفته‌ای بگذرد و ما را نبینی چه خواهی کرد؟»

سید کریم پاسخ داده بود: آقا جان می میرم! حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نیز فرموده بودند:

«اگر این گونه نبود به سراغت نمی آمدم.»

تعارف را کنار بگذاریم. اگر به راستی چنین حالتی به برخی شیعیان (نه همه‌ی آنها!) دست بدهد و فراق و هجران آن حضرت دست کم، گروهی از دوستان را اندوهگین و بی قرار سازد، به سعادت وصال و حضور ایشان نخواهیم رسید؟

داستان ما داستان طفل صغیری است که پدر خویش را از دست می دهد. او به دلیل عدم بلوغ فکری، نمی داند به چه بلا و محرومیتی گرفتار شده است؛ اما بزرگ ترها - که عمق مصیبت را می فهمند - برای وی اظهار دل سوزی می کنند. به بیان امام حسن عسکری علیه السلام:

۱. بحارالأنوار ۱۷: ۳۲۶-۳۲۷.

«سخت‌تر از یتیمی که پدرش را از دست داده، آن یتیمی است که از امامش بریده شده است و نمی‌تواند به او برسد (و بدو دست‌رسی ندارد).»^۱

در برخی روزنامه‌ها ستونی به نام «جویندگان عاطفه» وجود دارد. بارها دیده شده است که فردی مثلاً سی سال پیش طوی حادثه‌ای، پدر و مادر یا نزدیکان خویش را گم کرده است. او آگهی می‌دهد؛ سرگذشت خود را می‌نویسد؛ عکس و پیام خود را به چاپ می‌رساند؛ مزدگانی هم تعیین و تلفن تماس اعلام می‌کند و عاجزانه از خوانندگان روزنامه تقاضا می‌کند که اگر ردّ و نشانه‌ای از بستگان او دارند، وی را مطلع سازند. کدامین ما تا به این حدّ عاشق دیدن امام زمان خویش هستیم؟ به چه میزان برای دیدن او و درک محضر مقدّسش تلاش کرده‌ایم؟ پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«هیچ بنده‌ای ایمان به خداوند ندارد مگر این که من در نزد او از خودش محبوب‌تر باشم و عترت مرا بیش از عترت خود و خانواده‌ام را بیش از خانواده‌ی خود و جان مرا بیش از جان خود دوست داشته باشد.»^۲

اگر فرزند ما در بازگشت از مدرسه اندکی تأخیر کند، چه می‌کنیم؟ خون‌سرد و آرام در جای خویش می‌نشینیم یا - از ترس این که مبادا برای او اتفاقی افتاده باشد - سراسیمه به کوچه و خیابان می‌رویم؟ کدام یک از ما تأخیر در ظهور امام خویش را جدّی گرفته‌ایم؟ دوری

۱. بحارالأنوار ۲:۲.

۲. بحارالأنوار ۲۷:۸۶.

از امام حاضر چه تعداد از شیعیان را دردمند و دل نگران ساخته است؟
 اصلاً چند درصد جامعه‌ی شیعه غیبت امام را مشکل و درد می‌دانند که
 بخواهند به دنبال درمان و دواي آن باشند؟ چند نفر را دیده‌اید که در این
 مصیبت، آسایش خویش را، اگر چه موقت و محدود، از دست داده
 باشند؟ سراغ دارید کسی را که هر چند وقت یک بار، خواب و خوراکش
 مختل شده باشد؟!

اگر پرسش نامه‌ای را در اختیار ما بگذارند و از ما بخواهند
 رفتاری‌های خود را به ترتیب اولویت فهرست کنیم، چند درصد
 نخستین رفتاری خود را غیبت امام زمان علیه السلام خواهیم دانست؟
 اگر هم اکنون فرشته‌ای از آسمان نازل شود و بگوید: من از جانب حق
 - تعالی - مأموریت دارم فقط یک حاجت و خواسته‌ی تو را حتماً برآورده
 سازم، کدام یک از ما مهم‌ترین حاجت و خواسته‌ی خود را فرج امام
 عصر علیه السلام ذکر خواهیم کرد؟

در سفرهای زیارتی، در اوقات استجابت دعا، در آن لحظه‌هایی که
 دل می‌شکند و اشک جاری می‌شود، چه تعداد از ما، درخواست فرج را
 در اولویت دعاهایمان قرار می‌دهیم؟

تأسف آوراست که بگوییم یکی از همکاران فرهنگی - که سال‌ها معلم
 دینی و عربی بوده و اخیراً بازنشسته شده است - پس از مطالعه‌ی این
 سطور به نویسنده گفت:

من تا به حال نمی‌دانستم علت غیبت امام عصر علیه السلام بی وفایی و بی معرفتی
 ما شیعیان است.

به راستی، امام عصر علیه السلام در کجای زندگی ما قرار دارد؟ متن یا حاشیه؟ چند دقیقه از ۲۴ ساعت اوقات شبانه روز ما اختصاص به حضرت بقیة الله علیه السلام دارد؟ متأسفانه باید گفت حتی در حاشیه‌ی زندگی برخی از ما نیز حضور آقا لمس نمی‌شود. اگر یک بار کسی من و شما را به خانه‌ی خویش دعوت کند و بر سر سفره‌ی خویش بنشاند و به اصطلاح نمک گیرمان کند، سعی می‌کنیم به هر نحو ممکن، این محبت او را تلافی کنیم. چگونه است که عمری، خود، به همراه خانواده و بستگان و هم‌وطنان و هم‌نوعان و... همه‌ی مخلوقات خدا، مهمان خوان گرام امام عصر علیه السلام هستیم، ولی حق نمک را ادا نمی‌کنیم؟!

متأسفانه اطلاعات و آگاهی بعضی نوجوانان و جوانان شیعه از زندگی برخی ورزش‌کاران اروپایی و چهره‌های به اصطلاح هنری و گاه علمی داخلی و خارجی بیش‌تر از اطلاعات عمومی آن‌ها راجع به پیشوایان دین است. آیا جای امام عصر علیه السلام در زندگی فردی و اجتماعی ما خالی است؟! آشنایی اکثر شیعیان با زندگی امام دوازدهم علیه السلام ناچیز و مبهم است و فلسفه‌ی غیبت امام و شرایط ظهور آن حضرت برای آن‌ها به خوبی تبیین شده نیست... مگر از یازده امام پیشین چه قدر می‌دانند؟!

اگر چند سال باران نبارد و خشک‌سالی مزارع، کشتزارها و دام‌های ما را تهدید کند، حاضریم سر و پا برهنه، به بیابان رویم و با دل شکستگی، نماز استسقا بخوانیم؛ (هر چند، اندک احتمالی به آمدن باران بدهیم) آیا شایسته نیست دوازده قرن غیبت - که خشک‌سالی معنوی و قحطی دیانت را به دنبال داشته و سعادت دنیا و آخرت ما را تهدید کرده و دین نگه

داشتن (یعنی رستگار شدن و از عذاب جاودان در آتش جهنم رستن) را هم چون گرفتن آتش در کف دست مشکل ساخته است - ما را برای نماز جهت طلب ظهور و تعجیل فرج، به دشت‌ها و صحراها بکشاند؟ این کاری بود که بنی اسرائیل کردند و جواب گرفتند. پیر و جوان و زن و کودک به بیابان رفتند و یک پارچه خلاصی خود را از ستم فرعونیان طلب کردند و خداوند متعال نیز صد و هفتاد سال از باقی مانده‌ی عذاب آن‌ها را بخشید.

آری برای امور شخصی و منافع دنیوی - اگرچه احتمال اجابت ضعیف باشد - دست به دعا می‌شویم؛ اما برای رسیدن وقت ظهور و تسریع امر فرج - با آن همه سفارش‌ها که ائمه‌ی معصومین علیهم السلام راجع به تأثیر دعا در جلو افتادن زمان ظهور به ما کرده‌اند - کم‌تر دعا می‌کنیم! برخی نیز وقاحت را به آن جا می‌رسانند که دعا کنندگان برای ظهور را به باد اتهام و تمسخر می‌گیرند!

در توسلات و سفرهای زیارتی ما نیز امامان غریب است. شده است تا به حال مفاتیح الجنان را باز کرده زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام را بخوانیم و در بخش بخش آن تعمق کنیم؟ اگر به سفر عتبات عالیات برویم، چند روز در سامرا توقف خواهیم کرد؟

مردم باید برای رسیدن به مقام قرب خداوند - تعالی -، کسب سعادت دنیا و آخرت و نجات از عذاب جاودان الاهی، به در خانه‌ی اهل بیت علیهم السلام مراجعه کنند و اگر سر برتافتند به خویشتن ظلم و بادست خود موجبات هلاکت و خواری دنیا و آخرت خود را فراهم کرده‌اند.

توبه، ضرورت امروز

بشر باید توبه‌ای کند به عمق تاریخ... و شیعیان در این میان، باید توبه‌ای کنند عمیق‌تر؛ چرا که نقشه‌ی سعادت بشریت در دست آن‌هاست. در یک سخن، کلید قفل غیبت به دستان شیعه است.

در روایات مرتبط با «ظهور امام عصر» ارواحنا فداه آمده است:

«آن هنگامی که برای امام، (یارانی) به تعداد اهل بدر (۳۱۳ تن)

گردهم آیند بر آن حضرت قیام و تغییر واجب است.»^۱

آیا در حال حاضر، در میان جمعیت بیش از شش میلیارد نفری کره‌ی

زمین، سی صد و سیزده نفر واجد شرایط فوق یافت نمی‌شوند؟

به راستی، در طول این هزار و یک صد شصت و هشت سالی که از

شروع غیبت می‌گذرد، نیاستی حدّ اقل در یک مقطع از تاریخ شیعه،

گروهی از شیعیان به فکر چاره می‌افتادند و با عزم راسخ و ایجاد

معیارهای مورد نظر این روایت در خود، ظهور مبارک امام عصر علیه السلام را

زمینه‌سازی می‌کردند تا این که عمر دوران غیبت به این درازا نمی‌کشید و

دوازده قرن غربت آن امام عزیزتر از جان به پایان می‌رسید و روزگار مردم

دنیا و به ویژه شیعیان این نبود که اکنون شاهد آن‌ایم؟

البته مخاطب این سؤال، نسل کنونی جامعه‌ی شیعه نیز هست و

۱. بحارالأنوار ۱۰۰: ۴۹. هم‌چنین، امام جواد علیه السلام فرمودند: «چنان چه ۳۱۳

نفر از اهل اخلاص آمادگی کامل داشته باشند، خداوند حضرت مهدی علیه السلام را

ظاهر می‌فرماید.» (مکیال المکارم ۱: ۱۳۸).

شایسته است هر یک از ما به تفکر و تأمل راجع به این حقیقت تلخ پرداخته از خویشتن بپرسیم:

نقش من در طولانی شده غیبت امام زمان (عج) یا به عکس، در نزدیک شدن ظهور آن بزرگوار چیست؟ مولای من چه انتظاری از من دارد؟ چگونه می‌توانم امام زمان خویش را در این عصر و زمانه یاری کنم؟

در شرمساری ما همین بس که امام زمانمان همواره به یاد ماست و ما از آن وجود مقدس غافل ایم. ما آن چنان که باید چشم به راه ظهور آن راهبر آسمانی نبوده و نیستیم و در توسلات به ایشان نیز در اغلب اوقات فقط به دنبال رفع حاجات و حل مشکلات شخصی خویش هستیم ولی؛ آن بزرگوار، چشم انتظار بیداری ما از خواب غفلت است.

آیا وقت آن نرسیده است که باور کنیم پیشوای نجات بخش ما زنده است؟ آیا هنگام آن نرسیده است که خود باور کنیم و این باور را به دیگران عرضه بداریم که چاره‌ای جز پناه بردن به آستان مبارک محبوب نداریم؟

سر اردت ما و آستان حضرت دوست

که هرچه بر سر ما می‌رود ارادت اوست

آری باور کنیم همه و همه در آن محضریم و آن پیشوای مهربان از ما به ما نزدیک‌تر است.

دوست نزدیک‌تر از من به من است

وین عجب بین که من از وی دورم

یقین داشته باشیم که امام عصر (عج) ما را از خود ما بهتر می‌شناسد. هر

عملی که از ما سر می‌زند در معرض نگاه اوست. هر سخنی که بر زبان جاری می‌کنیم - پیش از آن که خود بشنویم - به سمع مبارک حضرت او می‌رسد. مگر پدران بزرگوارش نفرمودند که:

«اگر لبانتان را در خانه‌هاتان تکان دهید، منظورتان را

می‌فهمیم.»^۱

چگونه است که معتقدیم صحیفه‌ی اعمالمان هر هفته به آن عزیز عرضه می‌شود و ما را می‌بیند؛ اما این باور ما را از ارتکاب لغزش‌ها باز نمی‌دارد؟! شما را به خدا سوگند! اگر کودکی شاهد اعمال ما باشد، آیا در نوع رفتار و کردارمان پروا نمی‌کنیم و حتی تغییر نمی‌دهیم؟ این چه جسارتی است که در محضر شاهد و ناظر الاهی از خود نشان می‌دهیم؟! ما او را نمی‌بینیم، و نمی‌شناسیم؛ اما او که ما را می‌بیند و می‌شناسد و بر اعمال و احوال ما اشراف دارد. راستی، اگر به حضور امام زمان علیه السلام در این دنیا یقین پیدا کنیم و در همه‌ی آنات خود را در حضور او ببینیم و وی را آگاه بر اعمالمان بدانیم، آیا باز هم قصور و کوتاهی و لغزش خواهیم داشت؟

یک چشم زدن غافل از آن شاه نباشید

شاید که نگاهی کند، آگاه نباشید

باور کنیم هر فضیلت و کمال و نعمتی در عالم هست، به میمنت ولیّ الله الأعظم ارواحنا فداه است؛ چه او واسطه‌ی فیض است در عالم وجود.

۱. این روایت و تعابیر مشابه را بارها و بارها صاحب مکمال المکارم در کتاب خویش مورد استناد قرار می‌دهد.

باری، شیطان در کمین شیعیان آخرالزمان نشسته است تا آن‌ها را نیز، چون آدم و حوا از بهشت براند. مبادا به کید ابلیس، ما را از بهشت امامت^۱ برانند!... مؤمن که از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود!

بیاییم امام زمانمان را تنها نگذاریم

نکنند ندای «هَلْ مِنْ مُعِينٍ؟» امام زمان ارواحنا فداه در کربلايِ غربت و غیبت او بی‌لیک بماند! مبادا هلهله‌ی اهل کوفه صدای غربت حجة بن الحسن علیه السلام را به گوش ما نرساند! نکند قربةً إلى الله، بقية الله را تنها رها کنیم...!

به خدا، غم‌های تاریخ عالم او را بس است. فرق شکافته‌ی علی مرتضی علیه السلام، پهلوی شکسته‌ی حضرت زهرا علیها السلام، جگر پاره‌ی امام مجتبی علیه السلام، سر بر بالای نی شهید نینوا علیه السلام، حنجر بریده‌ی علی اصغر علیه السلام، زخم اسارت زینب کبری علیها السلام... - که جز با ظهور مداوا نمی‌شود - برای مالا مال کردن قلب نازنیش از درد و غم کافی است. خوشا به حال آنان که هم اینک نیز در محضر خورشیدند! میان ما

۱. امام صادق علیه السلام به کسی که در مجلس آن حضرت آرزوی بهشت کرد فرمود: «شما (اکنون) در بهشت‌اید. پس از خداوند بخواهید شما را از بهشت بیرون نکند.» گفتند: جان‌های ما به فدای شما، ما در دنیا بییم (هنوز به بهشت وارد نشده‌ایم)! فرمودند: «آیا شما به امامت معترف نیستید؟» گفتند: چرا، فرمودند: «بهشت همین امامت است که هر کس به آن اقرار آورد در بهشت است. پس از خداوند بخواهید تا این را از شما نگیرد.» بحارالانوار ۶۸: ۱۰۲.

مهجوران و آن حجّت خدا امّا، جز نفسانیت، حجابی نیست. آری، ابرهای تیره‌ی غفلت و معصیت است که خورشید جمالش را از تیررس نگاه ما پنهان داشته است.

ما از غیبت سخن می‌گوییم، ظاهراً، ظهور را به انتظار نشسته‌ایم؛ ولی آنان که بریده از خاک، بر فراز ابرهای تعلّقات در پرواز و حرکت‌اند خورشید را نظاره می‌کنند.

ضمیر جهانیان به نزدیکی ظهور گواهی می‌دهد. «الله الله...! لا یسئکتکم...!» نکند از ما پیشی بگیرند! نکند فطرت‌های پاک و عدالت‌طلب جهان در استقبال از موعود و بیعت با امام عصر ارواحنا فداه از ما پیش افتند!

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾!

در میان سلسله‌ی انبیا، آنان که شوق و دل‌دادگی خود را به یوسف زهرا علیها السلام زودتر اظهار کردند درخشش مدال «اولوالعزم»^۱ را بر سینه‌هایشان

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

«وقتی خداوند در عوالم ارواح و قبل از این جهان، از پیامبران، پروردگاری خویش و نبوت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت حضرت علی علیه السلام و جانشینان ایشان را پیمان گرفت، به آنها فرمودند: ...مهدی همان است که به وسیله‌ی او دینم را نصرت می‌دهم و دولتم را آشکار می‌گردانم و از دشمنانم انتقام می‌گیرم و همه - خواهی نخواهی - تسلیم من خواهند شد...»

قصد و عزیمت استوار برای پیامبران اولوالعزم در باره حضرت مهدی (ارواحنا فداه) ثابت گردید؛ ولی آدم نه انکار کرد و به اظهار قبول (یعنی در خضوع و اظهار سُرور و شوق نسبت به عظمت مقام آن منجی انسان‌ها، اندکی دیر جنید). این بود که از درجه‌ی صاحب عزم بودن افتاد. «کافی ۸:۲» (کتاب

دیدند.

هفتاد و دو تن شهیدان کربلا را - که «هل من ناصرٍ ينصرُنِي» مولایشان را لَبیک گفتند و ثابت قدم ایستادند - نگاه کنید؛ چه حسرتی بر دل عالم و آدم گذاشته‌اند!!

... اما هنوز فرصت باقی است. باید برای یاری امام عصر عجل الله فرجه و قرار گرفتن در ردیف انصار آن حضرت شتاب کرد. خواه ناخواه و به یقین، یاران و انصار او گل چین خواهند شد.

بیاییم امام زمان خود را دوباره بشناسیم!

بنابر اعتقادات شیعه، سعادت واقعی و دین داری حقیقی تنها و تنها از مسیر معرفت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و انجام دستورات آنان حاصل می‌شود تا آن جایی که اگر کسی عمل هفتاد پیغمبر را داشته باشد، اما ولایت امیرمؤمنان عجل الله فرجه و اولاد طاهرینش را نداشته باشد، هیچ عملی از او پذیرفته نخواهد شد. در این میان، بر معرفت نسبت به امام هر زمان به عنوان راه رهایی از مرگ جاهلی تأکید شده است و حدیث متواتر و مشهور بین شیعه و اهل تسنن که:

«هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلی از

دنیا رفته است.»^۱

ناظر بر این معناست. یکی از نکات قابل برداشت از این روایت آن

الإيمان والكفر، بابٌ آخرٌ منه ۳، ح ۱). برای توضیح بیشتر، رک. علل الشرایع: ۱۲۲ (باب ۱۰۱، ح ۱ و ۲) و تفسیر کنزالدقائق ۶: ۳۲۶.
 ۱. مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

است که اگر به فرض، کسی در این زمانه به یازده امام معرفت و ارادت داشته باشد؛ اما نسبت به کسب معرفت، ارادت و محبت نسبت به دوازدهمین ایشان کوتاهی کند، باز به مرگ جاهلیت از دنیا خواهد رفت و از آن جا که امامت از اصول دین است و تقلید در آن جایز نیست هر کس مکلف است به دنبال شناخت امام زمان خویش باشد تا از مرگ جاهلی برهد و بتواند در شب اول قبر و فردای قیامت پاسخ گوی اعتقادات خویش و نعمت امامت باشد.

معرفت امام عصر ارواحنا فداه دانستن نام و نسب و تاریخ و مکان ولادت ایشان نیست - گرچه در این وادی عقل ها سرگردان و اندیشمندان متحیرند - همگان مکلف شده اند به قدر وسع، در مسیر معرفت و محبت و اطاعت از امام زمان خویش گام بردارند.

گرچه وصالش نه به کوشش دهند

آن قدر - ای دل - که توانی، بکوش

در این بیان قدری تأمل کنید:

میلیاردها مثل شیخ طوسی و شیخ انصاری، ارزش یک نفس امام زمان ارواحنا فداه را ندارند.^۱

از آن جایی که شخصیت امام عصر علیه السلام، اوصاف، کمالات و جایگاه آن جناب به درستی در میان عموم تبیین نشده است، متأسفانه اندوخته‌ی ذهنی بسیاری از مردم با مقام و منزلت حقیقی آن حضرت متناسب

۱. سخن رانی آیه الله وحید خراسانی در جمع دانش پژوهان مرکز تخصصی

مهدویت، سال ۱۳۸۱.

نیست، حتی شاید تصوّر برخی جوان‌ها و نوجوان‌ها از امام عصر علیه السلام - العیاذ بالله - چیزی مثلاً یک سر و گردن بالاتر از یک مرجع تقلید است؛ در حالی که امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

«امام یگانه‌ی روزگار خویش است. هیچ‌کس (در مقام) به (منزلت) او نزدیک نمی‌شود و هیچ‌عالمی با او برابری نمی‌کند. جای‌گزینی برای او پیدا نمی‌شود و شبیه و مانند ندارد.»^۱

در روایات متعددی از ائمه‌ی معصومین علیهم السلام بر این حقیقت تأکید شده است که اهل بیت علیهم السلام با هیچ‌کس قابل مقایسه نیستند و اصولاً قیاس میان آن خاندان آسمانی با دیگران جایز نیست.^۲

فرض کنیم کسی عظمت امام عصر علیه السلام را در مقام سنجش با دیگران، هم چون عظمت کهکشان‌ها در برابر ذره‌ای ناچیز بداند یا امام علیه السلام را به اقیانوس و دیگران را به قطره‌ای تشبیه کند یا آن حضرت را خورشید و دیگران را شمع بداند؛ در هر حال راه خطا پیموده است. امام معصوم با هیچ چیز و هیچ‌کس قابل قیاس نیست.

در سال‌های حیات مرحوم آقای حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی مرجع تقلید فقیه شیعه، روزی نام آن فقیه بزرگ را در هنگام دعا کنار نام مقدّس امام عصر علیه السلام یاد کردند. آن مرد خدا سخت برآشفته و با خشم و ناراحتی بانگ زد:

۱. اصول کافی ۱: ۲۰۰ (کتاب الحجّة، باب نادر جامع فی فضل امام و صفاته ح

(۱)

۲. رک. بحار الأنوار ۲۲: ۴۰۶ و ۲۳: ۱۱۷.

بگویند ساکت باشد! من که ام که نام مرا در کنار اسم مقدّس امام زمان علیه السلام یاد کنند؟! ^۱

یکی از معضلات کنونی جامعه‌ی ما آن است که افراد و گروه‌های مختلف، با طرح برخی مباحث فلسفی، مکاتب اجتماعی، موضوعات سیاسی، صوفیگری، عرفان بازی، چاپ کتاب‌های متنوع و رنگارنگ و... از خدانشناسی و راه‌های مختلف رسیدن به خدا دم می‌زنند و امر را بر نوجوانان مشتبه می‌سازند؛ در حالی که مطابق آموزه‌های مکتب آسمانی و جامع تشیّع، در هر عصر «باب الله» فقط و فقط امام آن عصر و زمان است و هر راهی جز او برای رسیدن به حقّ متعال و کسب رضایت پروردگار مسدود است^۱؛ زیرا خدای - تبارک و تعالی - اراده فرموده است که تنها راه وصول بندگان به بارگاهش، اهل بیت پیامبر علیهم السلام باشند و هر کس بخواهد به دل خواه خود و مطابق هوای نفس و سلیقه‌ی خویش، جز از راه خاندان وحی و اتصال باطنی به امام زمانش، به خدا برسد آب در هاون کوبیده است و نه تنها اجر و پاداشی در نزد پروردگار بزرگ ندارد که مورد غضب الاهی واقع و به آتش قهر خداوندی معذب خواهد شد.

کسی از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام پرسید: معرفت خدا چیست؟ فرمودند:

«این که اهل هر زمانی امام خود را بشناسد که اطاعت از او بر ایشان واجب است.»^۲

۱. بکم یسلک الی الرضوان و علی من جحد ولا یتکم غضب الرّحمان (از زیارت جامعه کبیره) ۲. بحار الأنوار ۲۳: ۸۳.

در بنی اسرائیل خانواده‌ای بودند که اگر هر کدام آن‌ها چهل شب به درگاه خداوند دعا می‌کرد، خواسته‌اش اجابت می‌شد. یکی از آن‌ها پس از چهل شب، دعایش مستجاب نشد. به خدمت حضرت عیسی علیه السلام رسید و علت را پرسید. حضرت مسیح علی نبینا و اله و علیه السلام هم به درگاه خداوند متوسل شد. وحی آمد:

«ای عیسی! بنده من از غیر از آن دری که باید به نزد من بیاید به نزد من آمده است. او در حالی مرا خوانده است که در دل نسبت به تو شک دارد. بنابراین، اگر آن قدر مرا بخواند تا این که گردنش قطع شود و انگشتانش بیفتد، من او را پاسخ نخواهم داد.»^۱

در همین راستاست که در زیارت آل یاسین، پس از ادای سوگند به ولایت و امامت یازده امام علیهم السلام به طور جداگانه، گواهی و شهادت خاصی به ولایت و امامت امام عصر علیه السلام اعلام می‌کنیم، زیرا در این زمان، صراط مستقیم، شاه راه سعادت، کشتی نجات، امین خداوند، آیت بزرگ الهی، جانشین و خلیفه‌ی خداوند در زمین، وصی خداوندگار، ولی حق، حبیب پروردگار، حق مطلق، مخزن علوم الهی، وارث علم و کمالات همه‌ی انبیا، راه خدا، دست خدا، چشم خدا، زبان خدا^۲، قلب خدا^۳، حجت خدا، نور خدا، وجه خدا، وعده‌ی خدا، سر خدا و حافظ

۱. کافی ۲: ۴۰۰ (کتاب الایمان و الکفر، باب الشک، ح ۹).

۲. نحن حجّة الله و نحن باب الله و نحن لسان الله و نحن وجه الله و نحن عین الله فی خلقه و نحن ولایة امر الله فی عبادته. (اصول کافی ۱: ۱۴۵)

۳. از کلمات امیر مؤمنان علیه السلام است که فرمود: انا قلب الله الواعی.

اسرار الاهی، فریاد رس و پناه امت، واسطه‌ی فیض و پرچم هدایت، کلمه‌ی الله، حبل الله المتین، ولی مؤمنان، ولی نعمت مردمان، امان زمین، صاحب الزمان، وجود مقدس حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه است که در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَن سَلَكَ غَيْرَهُ

هَلَكَ.»^۱

«سلام بر تو ای راه خداوندی که هر کس به آن نرود تباہ و هلاک

می‌شود.»

در گوشه‌ی دیگری از زیارت آن حضرت در مفاتیح الجنان آمده است:

«أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتَكَ تَقْبَلُ الْأَعْمَالَ وَتُرْكَى الْأَفْعَالُ
وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَتُمَحَى السَّيِّئَاتُ. فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ
وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبِلْتَ أَعْمَالَهُ وَصَدَّقْتَ أَقْوَالَهُ وَتَضَاعَفَتْ
حَسَنَاتُهُ وَمُحِيتِ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ وَجَهِلَ
مَعْرِفَتَكَ وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ
وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا وَلَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا.»

«من گواهی می‌دهم که با ولایت تو اعمال پذیرفته می‌شود و کارها پاکیزه می‌گردد و نیکی‌ها دو چندان و بدی‌ها محو و نابود می‌شود. اعمال و کردار هر که به ولایت تو معتقد و به امامت تو

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام، عبارتی از اذن دخول

سرداب مطهر؛ بحارالأنوار ۱۰۲: ۱۱۷.

معترف باشد پذیرفته است و گفتارش تصدیق شود و حسناش دو چندان آید و بدی هایش نابود شود و هر که از ولایت تو سر بیچد و از معرفت تو نادان باشد و دیگری را به جای تو پیشوا بپذیرد، خداوند با صورت در آتش جهنم سرنگونش کند و از او هیچ عملی را نپذیرد و در روز قیامت در میزان عمل، وزنی برایش به شمار نیارد.^۱

باید با تمام وجود از درگاه خداوند متعال، معرفت خدا و رسول و حجّتش را طلب کنیم و خود را در معرض انوار شناخت و آگاهی قرار دهیم... اگر آن وجود نازنین را - آن سان که شایسته است - بشناسیم، از ابراز محبت و انجام وظیفه‌ی خویش در قبال آن ولیّ خدا و دلیل حقّ غافل نخواهیم شد. آن وقت است که از فرزند و پدر و مادر و... دوست داشتنی ترش خواهیم یافت.

اگر اکنون چنین محبتی را به پای آن جناب نمی‌ریزیم، از معرفت ناقص ماست. در انجام وظیفه کوتاهی می‌کنیم؛ چون نمی‌شناسیم. به این وسیله‌ی ارتباطی بین خالق و مخلوق تمسّک نمی‌جوئیم؛ چون معرفت نداریم. در امور خویش به اسباب ظاهری دل می‌بندیم؛ اما از آن وجود مبارکی که سبب اتصال میان زمین و آسمان است غافل‌ایم. از این روست که مداومت بر خواندن این دعای شریف در دوران غیبت را تأکید کرده‌اند:

۱. همان .

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ...»^۱

خود را می‌گویم... باید از الف بای امامت آغاز کنم!

دعا برای تعجیل فرج

در میان جامعه‌ی شیعه و معتقدان به آن بزرگوار باید غفلت زدایی کرد و «اعتیاد به غیبت امام زمان ارواحنا فداه و خو گرفتن به غفلت از وجود امام زنده و حاضر و شاهد و ناظر» را هشدار داد و لزوم درمان این اعتیاد را گوش زد کرد.

۱. امام صادق علیه السلام به زراره فرمود:... او (حضرت مهدی علیه السلام) همان است که انتظارش را باید کشید و خداوند تبارک و تعالی دوست دارد شیعیان را به وسیله‌ی او امتحان کند و در این امتحان است که اهل باطل دچار شک و تردید می‌شوند و بر عقیده‌ی خود ثابت نمی‌مانند. زراره پرسید: فدای شما شوم؛ اگر آن زمان را درک کردم چه کنم؟ آن حضرت فرمود: ای زراره! اگر به آن دوران رسیدی همواره این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

پروردگارا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر مرا با خودت آشنا نکردی نمی‌توانم پیغمبرت را بشناسم. خداوندا! فرستاده‌ی خود را به من بشناسان که اگر او را به من نشناسانی نمی‌توانم نماینده و جانشین او را که حجّت تو است بشناسند. خدایا! حجّت خود را به من بشناسان که اگر او را به من نشناسانی در دین خود دچار گمراهی خواهی شد. (کمال الدین ۲: ۳۴۲)

اگر دوران غیبت را برای امام زمان ارواحنا فداه زندان و برای قاطبه‌ی شیعه نیز - که از درک آن حضور آسمانی محروم‌اند - محرومیت خود ساخته از بزرگ‌ترین نعمت الاهی بدانیم و زندگی بی امام را «زندگانی» ندانیم، آن‌گاه از صمیم قلب و سوز سینه، ظهور آن حضرت را از خداوند طلب خواهیم کرد؛ زیرا مانع اصلی ظهور آماده نبودن مردم است. شاید نیز ویژگی پرشدن دنیا از ظلم و جور از آن رو باشد که با کثرت ستم و بیداد، مردم جهان به وضوح دریابند که حقوقشان چگونه پای مال می‌شود و بفهمند اصلاح امورشان از توان و عهده‌ی بشر عادی خارج است و این خود زمینه ساز پناه بردن آنان به دامان پُر مهر و عدالت گستر امام عصر ارواحنا فداه خواهد شد. البته این آگاهی و طلب و درخواست در قالب «دعا» به درگاه خداوند متجلی می‌شود و عینیت می‌یابد.

دعا؛ اظهار عجز و ناتوانی مطلق بندگانِ ناچیز در برابر پروردگاری است که *أقدرُ القادرین وفعالُ المایشاء* است و درخواست گشایش و اجابت از آستان اوست. هر کجا سخن از ظهور و تعجیل فرج است، سخن از دعاست. بی‌گمان، دعا برای تعجیل فرج در ظهور آن حضرت اثر قطعی دارد و اگر جز این بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام از طریق روایات بسیار، ما را به آن امر نمی‌کردند. پس بر ماست که برای ظهور، دست به دعا برداریم و لحظه‌ای از رحمت و اسعه‌ی پروردگار مأیوس نشویم و به همان صورت که در امور فردی و حوائج و گرفتاری‌های شخصی و خانوادگی تا به اجابت رسیدن دعا و گشایش، مضطربانه از طلب و خواهش و تمنّا و التماس به درگاه خدا و توسّل به

حضرات معصومین علیهم السلام دست بر نمی داریم، در این امر حیاتی نیز - که کلید حل تمام مشکلات معنوی و مادی ما و همه‌ی جهانیان است - همّت فرو نگذاریم و اگر تا کنون سهل انگاری و کوتاهی نموده‌ایم، فرصت برای جبران باقی است. آری،

دست از طلب ندارم تا کام من برآید

یا تن رسد به جانان یا جان زتن برآید

سید بن طاووس رحمته الله علیه - که از بزرگان علمای شیعه است و بارها و بارها توفیق تشرّف به محضر مقدّس امام عصر ارواحنا فداه را پیدا کرده و از ناحیه‌ی آن عزیز، به دریافت خطاب «فرزندم!» مفتخر گردیده و بر اسم اعظم واقف و بر اسرار آگاه بوده است - هشت سده پیش، خطاب به فرزندش می‌نویسد:

بدان که اهمّ حوایج، خواسته‌های آن کس است که تو در پناه هدایت و حمایت او به سر می‌بری و آن امام زمان توست. پس باید نماز و روزه و دعای تو اوّل جهت قضای حوائج آن حضرت باشد و بعد خواسته‌های خودت... آن چه را به تو گفتم عمل کن که حقیقتی است روشن و کسی که در مورد مولا سهل انگاری کند و در آن سستی ورزد و از آنچه بیان کردم غافل شود - به خدا سوگند - در اشتباه است؛ اشتباهی که مایه‌ی ننگ و عار است! آیا تا به حال اندیشیده‌ای که امامان پاک و هدایتگر ما چگونه به این موضوع اهمّیت داده‌اند؟ آیا تا کنون نسبت به این امر مهمّ، اعتنایی کرده‌ای؟ باز تکرار می‌کنم: با توجّه به آنچه بیان کردم، عذری برای تو در اهمّیت ندادن به دعا برای تعجیل ظهور باقی

نمی‌ماند.^۱

در مجموع باید گفت: دعا برای فرج در پیش افتادن ظهور حضرت ولّی عصر علیه السلام اثر قطعی دارد و شرط وفاداری، محبت، معرفت و دیانت آن است که هر شیعه‌ای برای تعجیل در فرج امام زمان خویش دعا کند.

آثار شگفت‌انگیز دعا برای فرج

یکی از عالی‌ترین کتاب‌هایی که برکات و آثار دعا برای تعجیل فرج و تکالیف شیعیان و محبان امام عصر ارواحنا فداه را در عصر غیبت آن بزرگوار در مجموعه‌ای ارزنده و بی‌نظیر، گردآورده است، کتاب شریف مکیال‌المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام است. این کتاب به امر مبارک امام زمان ارواحنا فداه تألیف شده و حتی نام آن نیز به انتخاب آن حضرت است. مطالعه‌ی این اثر جامع که به فارسی ترجمه شده و سرشار از نکات ظریف ولایی و معرفتی است برای عاشقان آستان مهدوی بسیار پُر فایده و امیدبخش است.

در جلد اول این کتاب مؤلف محترم رحمته الله با استفاده از آیات و روایات، برای دعاهای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام، ۱۱۰ فایده و اثر برشمرده است، ما در این جا، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- بهترین و محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند و مایه‌ی خرسندی پروردگار متعال و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.
- باعث آمرزش گناهان و تبدیل سیئات به حسنات است.

۱. فلاح السائل: ۴۴.

- تعظیم و اجابت دعوت خداوند متعال و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است.
- رستگاری به شفاعت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و امام زمان ارواحنا فداه را به دنبال دارد.
- وفای عهد و پیمان الاهی و آدای اجر رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.
- موجب اجابت دعا و دفع بلا و عقوبت و نزول نعمت و وسعت روزی است.
- مایه‌ی نایل شدن به دیدار دل آرای آن حضرت در بیداری یا خواب است.
- سبب بازگشت و رجعت به دنیا در زمان ظهور است.
- باعث زیاد شدن نور امام زمان ارواحنا فداه در دل است.
- ایمنی از عذاب و عقوبت آخرت را موجب می‌شود.
- در حکم یاری خداوند متعال است.
- مایه‌ی طول عمر است.
- دعا کننده را به ثواب طلب علم نائل می‌کند.
- خواهنده را با امیرالمؤمنین علیه السلام محشور خواهد کرد.
- دعای امام زمان ارواحنا فداه را در حق دعا کننده به دنبال خواهد داشت.
- دعا کننده را نزد خداوند متعال و رسول او، محبوب‌ترین خلائق خواهد کرد.
- دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و داخل شدن به بهشت با ضمانت آن حضرت را باعث می‌شود.

- اجر کمک به مظلوم را دارد (آن هم مظلوم‌ترین فرد عالم).
 - ثواب خون خواهی حضرت سیدالشهداء علیه السلام را دارد.
 - قبول شفاعت دعا کننده درباره‌ی هفتاد هزار گناه کار را موجب خواهد شد.
 - روز قیامت دعای امیرالمؤمنین علیه السلام در حق دعا کننده را به همراه خواهد داشت.
 - خواننده‌ی خود را بی حساب وارد بهشت می‌سازد.
 - موجب خراش بر چهره‌ی پلید ابلیس است.
 - از تشنگی روز قیامت امان است.
 - فرشتگان در مجلسی که برای تعجیل فرج دعا می‌شود حاضر می‌گردند.
 - ثواب شهادت در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و زیر پرچم حضرت مهدی علیه السلام را دارد.
 - مقام دعا کننده را در روز قیامت از همه‌ی شهیدان بالاتر می‌برد.
 - دعا کننده را مشمول شفاعت حضرت صدیق‌ی طاهره علیه السلام می‌گرداند.
 - غم‌های دعا کننده را در دنیا و آخرت از بین می‌برد.
 - دعای فرشتگان را در حق دعا کننده سبب می‌شود.
 - ...
- این حقیقت که دعا برای تعجیل فرج آن حضرت در زودتر فرارسیدن ظهور، اثر کامل دارد هشدار عجیبی است به مؤمنان در زمان غیبت که اگر

نجات و سعادت خویش و فرج مولای خود را از خدا می‌خواهند، راهی را که پیشوایانشان پیش روی آن‌ها نهاده‌اند بشناسند و جدی بگیرند و در پیمودن آن تلاش و کوشش نمایند.

دعا برای ظهور امام منتظر مؤثرترین و ارزنده‌ترین عملی است که از عهده‌ی همه‌ی شیعیان در هر موقعیت و در هر زمان و مکان برمی‌آید و هیچ عذر و بهانه‌ای در فروگذاردن و غفلت از آن پذیرفته نیست. یقیناً معتقدان به ولایت حجت خدا، متناسب با مقام و منزلت اجتماعی و نفوذ و قدرت سیاسی و توان علمی و فکری و تمکن مالی خویش، در برابر آن حضرت مسؤولیت دارند.

جهاد مالی در راه امام عصر علیه السلام فریضه‌ای فراموش شده

از جمله‌ی مواردی که تذکر آن لازم و پرداختن به آن در حال حاضر، ضروری است «نصرت مالی» امام زمان علیه السلام است. متأسفانه علی‌رغم نیاز شدید جامعه‌ی شیعه و مردم جهان برای خواندن و شنیدن و دانستن از امام غائب، معارف مربوط به آن موعود جهانی به اندازه‌ی کافی در دست رس همگان نیست. البته در گوشه و کنار هستند افرادی یا مؤسساتی که در جهت آشنا کردن مردم با حجت زنده‌ی پروردگار فعالیت خالصانه داشته و دارند؛ اما آن چه تا کنون انجام می‌شود به نسبت آن چه باید، بسیار کم و ناچیز است.

تأسف‌بارتر این که امروزه شاهدیم که دشمنان اهل بیت علیهم السلام به ویژه برخی فرقه‌های گم راه با صرف مبالغ کلان در بسیاری از کشورهای

اسلامی و حتی در برخی مناطق مرزی کشور ما، افکار و اندیشه‌های باطل خویش را ترویج می‌کنند؛ ولی ما - که دل دادگان خاندان عصمت و طهارت‌ایم - از وظیفه‌ی مهم تبلیغ غافل مانده‌ایم، خداوند - تبارک و تعالی شأنه - در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾^۱

« کیست که خدا را وام نیکو دهد تا خدا بر او چندین برابر

ببفزاید؟ »

همه‌ی ما تا کنون این آیه‌ی شریفه را بر پیشانی بانک‌ها یا مؤسسات قرض‌الحسنه و خیریه دیده‌ایم؛ تنها برای جلب توجه علاقه‌مندان و تشویق آنان برای افتتاح حساب و سرمایه‌گذاری در کارهای خیر (!) غافل از آن‌که این اعلام عمومی خداوند - تعالی - برای حرکت انسان‌ها در مسیر معرفت، محبت و ولایت خلیفه‌ی خدا در روی زمین است؛ چراکه وقتی از امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه‌ی شریفه سؤال شد. آن حضرت فرمودند:

«(این آیه) درباره‌ی پیوند با امام نازل شده است.»^۲

هم چنین در حدیثی دیگر می‌فرمایند:

«خداوند از روی نیاز به آن‌چه مردم در اختیار دارند قرض نخواست»

۱. سوره بقره (۲): ۲۴۵.

۲. اصول کافی ۱: ۵۳۷ (کتاب الحجّة باب صلة الامام ۱۲۹ ح ۲ و ۴).

است! هر حقی که خداوند دارد از آن ولئی اوست.»^۱

نیز آن حضرت به یکی از یاران خویش فرمودند:

«ای میاح، یک درهم که با آن، با امام پیوند ایجاد شود از کوه اُحد

وزن (و ارزش) بیش تر دارد.»^۲

مرحوم موسوی اصفهانی رحمته الله مؤلف کتاب وزین «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» - وقتی به تکالیف عصر غیبت اشاره می کند - سی و پنجمین تکلیف شیعیان را صله‌ی مال به آن حضرت می شمرد و ضمن استناد به روایات فوق و احادیث متعدّد دیگر در این باب، می نویسد:

(باید) مؤمن بخشی از دارایی خود را برای امام زمانش - که سلام خدا بر او باد - هدیه کند و همه ساله به این کار مداومت نماید و در این عمل شریف، غنی و فقیر و مهتر و کهنتر و مرد و زن یک سانند؛ الا این که ثروتمند به مقدار توانایی اش تکلیف دارد و فقیر به مقدار استطاعت خود... در روایات مقدار معینی برای مصرف مال در این کار والا بیان نگردیده است؛ چون ظاهراً این عمل از مستحبات مؤکّدی است که در سخن امامان علیهم السلام «فریضه» خوانده شده است. چند گواه:

(عالم بی نظیر شیعه) مرحوم کلینی رحمته الله در (کتاب بی نظیر و شریف) اصول کافی به سند خود از امام صادق علیه السلام روایت آورده است که فرمود:

«هیچ چیزی نزد خداوند محبوب تر از اختصاص دادن درهم به امام علیه السلام نیست. به درستی که خداوند یک درهم را برای پرداخت کننده در بهشت هم چون کوه اُحد قرار می دهد.»

۱. همان، ح ۳.

۲. همان، ح ۶.

... و در خبر موثقی از آن حضرت علیه السلام آمده است:

«من گاه از شما یک درهم می‌پذیرم و حال آن که از متمول‌ترین اهل مدینه‌ام. مقصودم در این کار فقط این است که شما پاکیزه شوید.»

«هر کس پندارد که امام به آن چه در دست مردم هست احتیاج دارد کافر است. جز این نیست که مردم نیازمندند که امام از ایشان بپذیرد. خداوند - عزّ و جلّ - فرموده است:

﴿ از اموال آن‌ها صدقه (= زکات) بگیر تا بدان پاک و پاکیزه‌شان کنی. ﴾^۱

آن گاه، در ادامه‌ی سخن، روایت جالبی از امام صادق علیه السلام گزارش می‌کند که در فروع کافی است:

«یک درهم خرج کردن در راه حج از یک میلیون درهم در غیر آن بهتر است و یک درهم که به امام برسد مانند خرج کردن یک میلیون درهم در حجّ است.»^۲

با کمی تأمل در این گفتار، می‌توان دریافت که امروز اگر کسی به فرض «یک تومان» در راه حجّ خرج کند (البته حجّ مقبول با شرایط و آدابی که در روایات ذکر شده است!)، گویی یک میلیون تومان در سایر کارهای خیر مصرف کرده است. حال اگر همین کس «یک تومان» در راه امام عصر علیه السلام هزینه کند، همانند آن است که یک میلیون تومان در راه حجّ

۱. ترجمه‌ی مکیال المکارم ۲: ۳۵۱ و ۳۵۳، با اصلاحات اندک.

۲. ترجمه‌ی مکیال المکارم ۲: ۳۵۳.

مقبول هزینه کرده باشد. با این محاسبه‌ی ساده «یک تومان» خرج کردن در راه امام معادل هزار میلیارد تومان در سایر کارهای خیر است و البته نباید باعث تعجب گردد؛ چرا که این با اعتقادات شیعه هم‌خوانی کامل دارد.

ما معتقدیم خداوند - تبارک و تعالی - تمام عالم هستی اعم از کهکشان‌ها، کرات آسمانی، موجودات، فرشتگان، انس و جن و... را به خاطر اهل بیت علیهم السلام آفریده است و اصلاً انسان‌ها خلق شده‌اند که مسیر اطاعت خداوند را از طریق معرفت به امام زمان خویش و اطاعت از وی بشناسند و پیدا کنند و از این روست که معرفت امام و شناساندن امام این اندازه قدر و قیمت می‌یابد و مؤمنان باید این نویدها را جدی بگیرند و بدان عمل کنند.

متأسفانه عمل به این سنت حسنه در میان ما شیعیان به صورت فرهنگ در نیامده و نهادینه نشده است. اینک شایسته است منتظران و عاشقان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در جهت احیای این سنت - که از ضروری‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های یاری امام عصر علیه السلام در این برهه از زمان است - گام‌های جدی و عملی بردارند.

بارها دیده‌ایم که وقتی عضوی از یک خانواده از دنیا می‌رود، میلیون‌ها تومان صرف برگزاری مراسم متعدد او می‌شود و این هزینه در بسیاری از موارد صرف خرید گل، اطعام میهمانان و... می‌گردد. این درحالی است که بسیاری از مدعوین فقط برای تسلی خاطر بازماندگان یا انگیزه‌های دیگر اجتماعی در مراسم بزرگداشت متوفی حاضر می‌شوند

و اصلاً نیازی به صرف یک وعده غذا در این مراسم ندارند. آیا بهتر نیست حداقل درصدی از این هزینه‌های زیاد صرف تبلیغ فرهنگ اهل بیت علیهم السلام شود؟ آیا ارواح گذشتگان ما از این بابت راضی‌تر نخواهند شد؟

این مثال در سایر عرصه‌ها نیز قابل تعمیم است. حتی در مراسم و جشن‌های نیمه‌ی شعبان نیز در کنار توزیع شیرینی، چراغانی، اطعام و...، باید برای تغذیه‌ی فکری و ارتقای سطح معرفت و آشنا ساختن مردم با فضایل آن حضرت و نیز یاد آوری طولانی شدن غیبت، غربت و مظلومیت آن بزرگوار، اهتمام جدی به عمل آورد و حتی بدین مسئله اولویت بیش‌تر داد؛ زیرا کسب معرفت نسبت به آن جناب و آشنایی با وظایف شیعه در قبال آن آستان و ارجاع شیعیان به شؤون امامت آن بزرگوار، از شیرین کردن کام محبان آن حضرت با نقل و شیرینی مهم‌تر است که لحظاتی بیش دوام ندارد و از سیر کردن شکم‌های آنان برای چند ساعت!

از جمله‌ی بهترین کارها در این وادی، تألیف و انتشار کتاب‌های آگاهی‌بخش و بیدارکننده‌ی راجع به امام زمان علیه السلام و تولید محصولات فرهنگی مرتبط با آن امام همام است که سبب برقراری و پیوند و تمسک به آن منجی منتظر گردد.^۱

۱. البته با نثری استوار و با شناخت مخاطب و زبان او و با تعمق و اندیشه وری و اخلاص و پرهیز از سست نویسی و سطحی‌نگری و فضل‌فروشی و رونویسی و شتاب‌آلودگی و شهرت‌جویی و ادعا آمیزی و دکان‌سازی!

آنان که امکان تألیف و نشر ندارند حداقل مسائل مالی این آثار را تأمین کنند تا با نشر این آثار ارزنده و ایجاد شوق مطالعه در مخاطبان معرفت‌جو، بذر محبت اهل بیت، علیهم السلام و به ویژه آن موعود مهرگستر را در دل‌ها بکارند و با این خدمات تبلیغی و فرهنگی، از ثواب عظیمی که در روایات به آن اشاره شده است بهره‌مند گردند و موجبات جلب عنایات امام عصر علیه السلام را به سوی خود فراهم سازند پس شناساندن امام به دیگران فقط وظیفه‌ی مبلغان رسمی دین نیست؛ اگر چه آن‌ها در این میان وظیفه‌ای بس سنگین و دشوار پیش رو دارند.

امام حسن عسکری علیه السلام از امام الساجدین علیه السلام نقل فرموده‌اند: خداوند - تعالی - به موسی علیه السلام وحی کرد: ای موسی! مرا نزد آفریدگانم محبوب گردان و آن‌ها را هم محبوب من کن. موسی علیه السلام پرسید: برای انجام این امر چه کنم؟ خداوند متعال فرمود: «نعمت‌های مرا به یاد آن‌ها بیاور تا مرا دوست بدانند. پس اگر یک بنده‌ی فراری از درگاه من یا کسی را که درگاه مرا گم کرده به من بازگردانی، برای تو بهتر است از این که صد سال عبادت کنی به طوری که روزها روزه بگیری و شب‌ها به عبادت بایستی.»

موسی علیه السلام عرض کرد بنده‌ی فراری از تو کیست؟ خداوند - تعالی - فرمود:

«شخص معصیت کار سرکش.»

موسی علیه السلام پرسید کسی که درگاه تو را گم کرده است کیست؟ خدای متعال پاسخ فرمود:

«الجاهل بامام زمانه و الغائب عنه بعد ما عرفه...»

کسی که امام زمانش را نمی‌شناسد و بعد از شناختنش از او غایب است. کسی که به آیین دین خود آگاه نیست. شریعتش را و راه بندگی پروردگارش را به او یاد بدهید و طریق جلب رضایت خدا را به او بیاموزی...»^۱

اگر کسی ادعا کند که من نه نفوذ کلام و قدرتی دارم تا حرف مرا بشنوند و نه مال و ثروتی تا در مسیر حضرتش خرج کنم و نه توانایی نگارش کتاب و مقاله و...، دست کم، این از عهده‌ی او بر می‌آید تا همواره به یاد آن حضرت باشد و با زبان خویش مبلغ و مروج امام زمانش باشد، دائماً فضای فکر و قلب و جانش را به یاد آن حضرت معطر سازد، برای تعجیل فرج آن بزرگوار دعا و دیگران را بر انجام این عمل خیر ترغیب کند.

صد البته این به معنی دست کشیدن از فعالیت‌های فردی و اجتماعی نیست؛ سخن این است که در عین عمل به وظایف، نباید از ارتباط قلبی با امام زمان خویش و دعا برای ظهور آن پیشوای پرده‌نشین - که مهم‌ترین وظیفه‌ی فردی و اجتماعی همه‌ی شیعیان است - غافل بود.

یقیناً تبلیغ عملی و رفتاری از تبلیغ زبانی و نوشتاری مؤثرتر است؛ تا آن جا که اگر کسی با گفتار و نوشتار خود از حجت خدا دم بزند؛ ولی در عمل و رفتار و کردار خویش به دستورات و فرامین امامان معصوم علیهم السلام بی‌اعتنا و غیر عامل باشد چه بسا مردم را بدبین و از مقصد مورد نظر دور

۱. بحارالانوار ۲: ۴.

و دورتر سازد. از این روست که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

مبادا عملی انجام دهید که ما به آن سرزنش شویم؛ زیرا فرزند
خطاکار با عملش باعث سرزنش پدر خود می‌شود. نسبت به کسی که
منسوب به او هستید زینت باشید و باعث بدنامی او نباشید.^۱
و در بیان دیگری می‌فرمایند:

ای جماعت شیعه! شما منسوب به ما هستید. برای زینت باشید و
مایه‌ی ننگ نباشید. مانند اصحاب امیرالمؤمنین ۷ باشید که اگر یکی
از آن‌ها در قبیله‌ای حضور داشت امام جماعت، اذان گو و امانت دار
آن‌ها می‌شد.^۲

دعای فردی و جمعی

آری دعا برای تعجیل فرج حضرت بقیة الله ارواحنا فداه از بهترین
راه‌های یاد کردن آن ذخیره‌ی آسمانی در خلوت و جلوت و به طور
خصوصی و عمومی است و نشانه‌ی ایمان است که امام موسی بن
جعفر علیه السلام فرمودند:

«وجود مبارک او از دیده‌ها پنهان می‌گردد؛ ولی یادش از دل‌های
مؤمنان فراموش نمی‌شود.»^۳

این یاد هم‌چنین باعث در امان ماندن از انحراف و هلاکت در
آخرالزمان است.

۱. بحارالانوار ۷۵: ۴۳۱. ۲. بحارالانوار ۸۸: ۱۱۹.

۳. کمال الدین ۲: ۳۶۸-۳۶۹ (باب ۳۴، ح ۶).

باید با الهام از آیات و روایات بالأخص ره‌نمودها و پیام‌های وجود مقدّس امام عصر ارواحنا فداه و به مصداق سخن کتاب آسمانی:

﴿تک‌تک و دوتا دوتا برای خدا قیام کنید﴾^۱

در همه‌ی لحظه‌ها و خلوت خویش، با توبه و استغفار، تعجیل ظهور امام را از درگاه خداوند بطلبیم و هم به طور در اماکن مقدّس، اعمّ از حرم‌های معصومین علیهم السلام، مساجد، حسینیه‌ها و جلسات مذهبی، خالصانه و صمیمانه و به هم‌راه انابه و ندبه، برای فرج منتقم آل محمد علیهم السلام دعا کنیم و ظهورش را از خدای بزرگ بخواهیم.

دعا برای تعجیل فرج را در همه‌ی لحظات به صورت خصوصی یا در اجتماعات مؤمنین خصوصاً مجالس منسوب به اهل بیت علیهم السلام باید غنیمت شمرد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هیچ‌گاه چهل نفر برای دعا نزد هم اجتماع نکنند و خداوند -عزّ و جلّ- را در کاری نخوانند مگر این که خداوند متعال دعای آن‌ها را مستجاب می‌کند. اگر چهل نبودند و چهار بودند (نزد هم جمع شوند) و ده بار خدای -عزّ و جلّ- را بخوانند، خداوند متعال دعایشان را می‌پذیرد. اگر چهار تن هم نباشند و تنها یکی باشد که چهل بار خدا را بخواند، خدای عزیز و جبار او را اجابت فرماید.»^۲

نیز آن حضرت فرمودند:

«هرگاه پیشامدی پدرم را اندیشناک می‌کرد، زنان و کودکان را

۱. سوره‌ی سبأ (۲۴): ۴۷.

۲ و ۳. کافی ۲: ۴۸۷ (کتاب الدعاء، باب الاجماع فی الدعاء ۱۷، ح ۱ و ۳).

گرد می آورد و سپس دعا می کرد و آن ها آمین می گفتند.^۱

عاشقان و دوست داران اهل بیت علیهم السلام عزاداران سالار شهیدان و برپا کنندگان مجالس سوگواری و شرکت کنندگان در هیئت های مذهبی باید بانند که عرض ارادت به ائمه ی اطهار علیهم السلام، چه در ایام غم و چه در روزهای شادی اهل بیت علیهم السلام و جشن های میلاد، زمانی مقبول واقع خواهد شد که هم گام با امام زمان ارواحنا فداه و مورد رضایت و امضای آن حضرت باشد. در همه ی حالات، به ویژه هنگام جاری شدن اشک ها و شکستن دل ها، باید برای فرزند غریب حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و منتقم خون مطهر او و تعجیل در فرجش دعا کرد؛ همان گونه که در زیارت عاشورا می خوانیم:

«... از خدا می خواهم مرا به مقام ستوده ای که از آن شما خاندان است نایل گرداند و نصیبم سازد تا همراه آن امام هدایت یافته ی الاهی از شما اهل بیت - که هدایتگری ظاهر و به حق گویاست - خون خواه شما و از دشمنانتان کیفر خواه باشم.»

در کتاب شریف مکیال المکارم نیز آمده است که حضرت بقیة الله ارواحنا فداه فرمودند:

«اگر مؤمنی در مجالس سوگواری، پس از ذکر مصایب حضرت سید الشهداء علیه السلام برای من دعا کند، من برای او دعا می کنم.»^۲

از مرحوم علامه ی امینی رحمته الله علیه نیز نقل شده است که فرموده است:

۲. مکیال المکارم ۱: ۳۳۳.

من کسی را که پس از ذکر شریف صلوات، و **عَجَّلْ فَرَجَهُمْ** بگوید، در ثواب نوشتن کتاب الغدیر خود سهیم می‌کنم.

بر گویندگان و ذاکران و شاعران اهل بیت علیهم السلام است که در سخنان، اشعار، منقبت‌ها، مرثیه‌ها و... محور سخن خود را امام عصر ارواحنا فداه قرار دهند و مؤمنان نیز در فرصت‌های اجابت دعا، از درخواست فرج آن حضرت از آستان حق - تعالی - غافل نباشند

...از شیخ حسن سامرایی - که از گویندگان با تقوای عراق بود - نقل کرده‌اند که گفت:

در ایامی که در سامرا مشرف بودم؛ روز جمعه‌ای به هنگام عصر، به سرداب مقدس رفتم. دیدم غیر من، احدی نیست. حالتی پیدا کردم و متوجه مقام صاحب الامر صلوات الله علیه شدم. در آن حال، صدایی از پشت سر شنیدم که به فارسی فرمود: «به شیعیان و دوستان من بگویند خدا را به حق عمه‌ام حضرت زینب علیها السلام قسم دهند تا فرج مرا نزدیک گرداند.»^۱

مکر شیطان برای تأخیر فرج

برخی تصور می‌کنند که دعا برای تعجیل فرج ابتدا نیازمند تزکیه‌ی نفس و کسب ظرفیت برای دعاست. این اشتباه بزرگی است و چه بسا از القائنات و دسیسه‌های شیطان! شاید تا کسب ظرفیت مورد ادعا، فرصت و موقعیت از دست برود و ظرفیتی هم کسب نشود! به علاوه، دعا خود

۱. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ۱: ۲۵۱.

ابزاری مؤثر برای یافتن ظرفیت و تطهیر نفس تزکیه است. مگر اهل بیت علیهم السلام مصداق آیهی تطهیر نیستند؟ چه راهی برای تطهیر باطن و تزکیه‌ی نفس مطمئن تر از اتصال به آن خاندان پاک؟!^۱

شیطان پس از رانده شدن از درگاه الوهیت، از خداوند خواست تا در عوض عبادت‌های چند هزار ساله‌اش، تا پایان دنیا به او مهلت داده شود: ﴿شیطان از خدا درخواست کرد که: پروردگارا! پس مرا تا روزی که خلق مبعوث می‌شوند، مهلت ده. خداوند (خطاب به شیطان) فرمود: تو تا وقت معین و معلوم از مهلت داده شدگان ای.﴾^۱

امام محمد باقر علیه السلام در مورد مرگ شیطان در هنگام ظهور می‌فرماید:

«منظور از وقت معلوم در آیه‌ی شریفه، روز قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. هرگاه خداوند او را برانگیزد، ابلیس در مسجد کوفه می‌آید؛ درحالی‌که برزانشان راه می‌رود و می‌گوید: ای وای از این روزگار! آن‌گاه (موی بالای) پیشانی‌اش را می‌گیرند و او را گردن می‌زنند. آن هنگام، روز وقت معلوم است که مدت او به پایان می‌رسد.»

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز در تفسیر این آیات شریف می‌فرماید:

«وقتی که نزد همه برای پایان زندگی شیطان معلوم است روز ظهور قائم ما اهل بیت است.»^۲

این است که شیطان با تمام ترفندها و مکر و حيله‌ها و با کمک اعوان و انصارش، از متمرکز شدن توجّهات مردم به ولی عصر ارواحنا فداه مانع می‌شود و هر چه در توان دارد برای به تعویق انداختن «روز ظهور» به کار می‌گیرد.

تذکری سودمند

یکی از نقاط ضعف عمده که در میان گویندگان، نویسندگان، پژوهشگران و روشن فکران مسلمان وجود دارد، پرداختن به حاشیه و غفلت از متن ظهور است. گاه تمام توان و علم و دانش خود را معطوف به مطالب فرعی و کم اهمیت‌تر کرده‌ایم؛ ولی از شخص ولی الله علیه السلام، انتظارات آن حضرت و درخواست فرج غافل مانده‌ایم. درست است مباحثی هم چون ابعاد جامعه شناختی و روان شناختی انتظار، برگزاری کنگره‌های شعر و بعضاً موسیقی!! راجع به مهدویت، جذّاب و شیرین است؛ ولی ما به شناخت آن حضرت و متعاقباً دعا برای تعجیل فرج موظف‌ایم و حتی شناخت نشانه‌های ظهور از اهمیت بعدی برخوردار است.^۱

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در عالم خواب یا مکاشفه به مرحوم

۱. ناگفته نماند ما به شناخت نشانه‌های ظهور نیز موظف شده‌ایم و اگر آگاهی از علایم ظهور ضرورتی نداشت ائمه‌ی معصومین علیهم السلام این نشانه‌ها و علایم را بیان نمی‌فرموده و شیعیان خویش را به شناخت این نشانه‌ها امر نمی‌کردند. بی تردید یکی از برکات این شناخت، آن است که شیعیان فریب مدعیان دروغین مهدویت و نیابت امام را نخواهند خورد.

آیه الله میرزا محمد باقر فقیه ایمانی فرمودند:

«در منبرها به مردم بگویند و به آنان دستور دهید توبه کنند و در باره‌ی تعجیل ظهور (حضرت) حجت ارواحنا فداه دعا کنند. دعا برای آمدن آن حضرت مانند نماز میّت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام دادن عده‌ای از گردن دیگران ساقط شود؛ بلکه مانند نمازهای پنج‌گانه است. بر هر مرد و زن بالغ واجب است برای ظهور امام زمان غایب دعا کند.»^۱

اگر تا امروز - آن گونه که باید - به وظیفه عمل نکرده‌ایم و از دعا برای فرج منتقم آل محمد علیهم السلام غافل مانده‌ایم، برای جبران دیر نشده است. بیایید با خداوند مهربان عهدی ببندیم و خالصانه به درگاه حضرتش عرضه بداریم:

بار پروردگارا! اگر از اول عمر من تا هم اکنون، در پرونده‌ی من عملی هست که مورد رضایت توست، (اعم از حجّ مقبول زیارت امامان علیهم السلام و امام زادگان، قرائت قرآن، نماز جماعت، صدقه، احسان به خلق، صله‌ی رحم، ذکر، عزاداری، ادعیه و سایر اعمال مستحبّی و...) همین لحظه از پرونده‌ی عمل من بردار و برای تعجیل در فرج منجی عالم منظور فرما و از امروز هم ثواب هر عمل خیر مرا که رضایت تو در آن است برای تعجیل فرج مقرر دار. خداوندا، حتی برای لحظه‌ای مرا از یاد مولایم غافل مگردان.

کاری کنیم؛ ورنه خجالت برآورد

روزی که رخت جان به جهان دگر کشیم

۱. مکیال المکارم ۱: ۴۳۸.